

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال دوم

۷	نقش عرفهای تجاری در تجارت بین الملل؛ تأثیر متقابل کنوانسیون بیع بین الملل و قواعد اینکوترمز ۷ دکتر محمود باقری - سروش رستمزاد اصلی - ناصر عزیزی
۳۳	شیوه‌های مقررات‌گذاری تبلیغات تجاری خطاب به کودکان در تلویزیون دکتر باقر انصاری - منیژه هاشمیان
۵۵	تأملی بر انحلال سازمان‌های بین‌المللی دکتر منصور جباری - مسعود احسن‌نژاد
۸۱	برخی مقررات اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل و نیل به فدرالیسم اروپایی دکتر سید حسین طباطبایی
۹۹	جرم‌شناسی مدرن و روابط متقابل میان جرایم دکتر علیرضا میلانی - محمد حاجی قاسمی اردبیلی
۱۱۵	حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی آرمین طلعت - محمد آهنگر اصیل
۱۴۷	شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در محاق سیاست ملی دولت‌ها: مطالعه موردی کره شمالی دکتر آرامش شهبازی - صمصام عوض‌پور
۱۷۵	مقایسه محدودیت‌های صدور اسناد رسمی با اسناد الکترونیکی مطمئن دکتر عباس کریمی - امیر سپاهی
۱۹۷	شرط گام ابتکاری در نظام اختراعات ایران حامد نجفی - مهسا مدنی
۲۱۷	بحران میانمار در آیین حقوق بشر مرضیه قلندری
۲۵۳	بررسی بزه‌های ناتمام در حقوق کیفری ایران علیرضا رحمانی نعیم‌آبادی





جرم‌شناسی مدرن و روابط متقابل میان جرایم

دکتر علیرضا میلانی* - محمد حاجی قاسمی اردبیلی**

چکیده:

در میان جرایم روابط متنوع و گسترده‌ای وجود دارد. اگرچه برخی از جرایم بدون برقراری ارتباط با سایر جرایم قابلیت تحقق دارند (جرم مستقل)، اما بسیاری از جرایم، به جرایم دیگر وابستگی داشته و بدون برقراری ارتباط با جرایم دیگر، امکان تحقق ندارند (جرم وابسته). ارتباطات میان جرایم ممکن است ذاتی باشند یعنی ناشی از ماهیت جرایم باشند و یا ممکن است تبعی باشند و بسته به انتخاب مجرمین و شرایط تحقق جرم، برقرار شوند. توجه به روابط میان جرایم در سطح وسیع و با در نظر گرفتن دامنه و گستره این ارتباطات منجر به مشاهده مشخصه‌ها و ساختارهای اجتماعی نظیر نقش، نهاد، سازمان‌های اجتماعی و... در میان جرایم می‌شود که به نظر می‌رسد عموماً این ساختارها انعکاسی از ساختارهای جوامعی است که جرایم در آن جوامع تحقق می‌یابند؛ این ویژگی به جرایم، خصوصیتی اجتماعی می‌دهد. این جنبه از جرایم تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است و ممکن است دیدگاهی متفاوت به جرایم ایجاد نماید.

کلیدواژه‌ها:

جرم مستقل، جرم وابسته، ارتباط، اجتماع، ساختار اجتماعی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، نویسنده مسؤؤل

Email: Alirezamillani@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه

Email: Mohammadhajighasemi@yahoo.com

مقدمه

یکی از خصوصیات جرایم که از اهمیت زیادی برخوردار است، ارتباطات میان جرایم است که هرچند مورد مطالعه قرار گرفته است^۱ اما هنوز به عنوان یکی از جنبه‌های ناشناخته جرایم باقی مانده است. جرایم با یکدیگر روابط متنوعی برقرار می‌کنند که این ارتباطات برای برخی از جرایم از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا این جرایم بدون برقراری ارتباط با جرایم دیگر امکان تحقق نخواهند داشت. از مطالعه ارتباطات میان جرایم به نظر می‌رسد می‌توان این روابط را تحلیل کرد و رسیدن به این تحلیل می‌تواند در راه شناخت جرایم متمرثر باشد. چنانچه در مطالعه روابط میان جرایم، به ارتباطات و ساختارهای اجتماعی و نقش این ساختارها در ارتباطات میان آنها توجه شود؛ مسئله‌ای که جلب توجه می‌کند؛ شکل‌گیری زنجیره‌ها و شبکه‌هایی متشکل از جرایم است که منجر به ایجاد ساختارهایی در میان جرایم می‌شود که شباهت قابل توجهی به ساختارهای اجتماعی در جامعه دارد از این جهت می‌توان از زاویه‌ای متفاوت با آنچه که تاکنون ارتباطات میان جرایم مورد بررسی و توجه قرار گرفته‌اند این خصوصیت از جرایم را مورد توجه قرار داد.

۱- جرایم مستقل و جرایم وابسته

جرایم با یکدیگر به شکلی وسیع و در اشکال مختلف ارتباط برقرار می‌کنند. در میان انواع مختلف ارتباطات میان آنها ارتباطاتی وجود دارند که سرنوشت جرایم را رقم می‌زند و وجود یا عدم وجود جرایم، وابسته به آنهاست. جرایم در تحقق یا بقاء به یکدیگر یاری می‌رسانند در سود و زیان با یکدیگر شریک می‌شوند و با برقراری ارتباطات گسترده با یکدیگر، شبکه‌های

۱. به عنوان مثال؛ اشاره به (جرایم فرعی) در نوشته‌های جرمی بنتام [علی حسین نجفی ابرند آبادی و دیگران، «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)». فصلنامه مدرس ۳۷ (۱۳۸۳)، ۲۶-۲۵]. در قرن هجدهم به نظر می‌رسد از اولین نمونه‌های توجه به این موضوع است؛ همچنین در این خصوص، در حقوق فرانسه و در مباحث مربوط به آیین دادرسی کیفری به (جرایم مرتبط) اشاره شده است [محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴)، ۲۸۵-۲۸۳]. یکی دیگر از نمونه‌های توجه به ارتباطات میان جرایم و تقسیم جرایم بر مبنای این روابط، که بیشتر در «جرایم سازمان‌یافته» (Organized Crimes) و «جرایم سازمان‌یافته فراملی» (Transnational organized crimes)، مورد بررسی قرار گرفته «جرم مقدم» (Predicate crimes) است که به طور خاص در مواد متعددی از کنوانسیون پالرمو از جمله ماده ۶ به آن اشاره شده است [صادق سلیمی، جنایات سازمان‌یافته فراملی (تهران: انتشارات تهران صدرا، ۱۳۸۲)، ۷۹-۷۸].

به هم پیوسته و پیچیده‌ای را تشکیل می‌دهند. بنابر این خصوصیت جرایم، می‌توان آنها را برمبنای ارتباطات میانشان به دو دسته ۱- جرایم مستقل و ۲- جرایم وابسته تقسیم کرد.

۱-۱- جرایم وابسته

جرایم به معنایی که گفته شد، ممکن است با یکدیگر روابط مختلفی برقرار کنند، این روابط تنوع بسیار زیادی دارد و می‌تواند به اشکال بسیار زیادی برقرار شود^۲، لکن از میان این گونه‌گونی، برخی از ارتباطات، هم به واسطه اهمیت وجودی که برای سایر جرایم دارند و هم به این جهت که به نظر می‌رسد، قابل پیش‌بینی و مطالعه هستند، از اهمیت بیشتری برخوردارند. در این شکل از ارتباط، جرایم یکدیگر را به دنیا می‌آورند، در سود و زیان با هم شریک می‌شوند یا از یکدیگر حمایت می‌کنند و حتی ممکن است، دست به نابودی یکدیگر بزنند، به دیگر سخن، روابطی میان جرایم وجود دارد که در سرنوشتشان دخیل است؛ و همان‌طور که اشاره شد، این شکل از روابط میان جرایم به دلیل نقش حیاتی که برای آنها دارد از اهمیت بیشتری برخوردارند، به همین جهت برای این رابطه از عنوان «وابستگی جرایم»^۳ و برای جرایمی که از این رابطه بهره می‌برند از عنوان «جرایم وابسته»^۴ استفاده شد.

وابستگی در لغت به معنای ارتباط داشتن و نیازمند شدن است. نیازمند شدن در لغت به معنی ناگزیر شدن از چیزی یا کسی است و ناگزیر شدن به معنای حتماً، حتم و بالضروره، ناچار و حتمی که از آن گریزی نیست^۵، عنوان شده است.

معنای مورد نظر نگارندگان، آنچنان که گفته شد از معنای لغوی وابستگی دور نیست. بنابراین منظور از جرایم وابسته آن دسته از جرایم‌اند که اولاً: با جرایم دیگر در ارتباط هستند؛ ثانیاً: این رابطه برای جرایم وابسته رابطه‌ای حیاتی است و در صورت قطع این ارتباط، جرم وابسته از میان خواهد رفت و یا اساساً امکان ظهور نخواهد داشت.

برای روشن‌تر شدن موضوع به دو نمونه ساده از وابستگی جرایم اشاره می‌شود:

۲. ضیاء‌الدین پیمانی، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم (قم: معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۴)، ۲۷-۱۱.

3. Crimes Relationship.

4. Dependant Crimes.

۵. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، فرهنگ متوسط، ۱۳۸۸)، ج ۲، ۳۱۰۶.

اول: جرم استفاده از سند مجعول را در نظر بگیرید، این جرم یک جرم وابسته است و به جرم جعل وابستگی دارد، اهمیت این ارتباط هم به سهولت قابل تصور است، چه در صورت نبود جرم جعل و بدون وجود (سند مجعول) که محصول این جرم است، تحقق جرم استفاده از سند مجعول غیرممکن خواهد بود؛

دوم: سرقتی را تصور کنید که در آن، سارق با تخریب درب و ورود غیرقانونی به منزل فردی اقدام به ربودن و سرقت اموال وی می‌کند. این جرم (سرقت) وابسته به دو جرم تخریب و ورود غیرقانونی به منزل افراد است.

در مثال اول، نکته قابل توجه آن است که، ارتباط و وابستگی میان این جرایم از اراده مجرمین خارج است، چه مجرمین این جرایم بخواهند و چه نخواهند، جرم استفاده از سند مجعول وابسته به جرم جعل است، به عبارت دیگر ارتباط میان این دو جرم، جبری است. بنابراین شاهد خصوصیتی از جرایم هستیم که نشان‌دهنده آن است که جرایم دارای جنبه‌هایی مستقل از مجرمین خود هستند. علاوه بر این، آنچنان که در ادامه و در بررسی ارتباطات میان جرایم خواهیم دید، خصوصیات دیگری هم در جرایم دیده می‌شود که از برخی زوایا به آنها نوعی استقلال از مجرمین می‌دهد و شاید این موضوع به خودی خود دارای اهمیت باشد.

در مثال دوم، باید توجه داشت که جرم سرقت (برخلاف جرم استفاده از سند مجعول) ذاتاً و اساساً وابسته به جرایم تخریب و ورود غیرقانونی نیست. تحقق جرم سرقت را می‌توان فارغ از وابستگی به جرم یا جرایم دیگر متصور شد؛ به عبارت دیگر این جرم فی‌نفسه می‌تواند مستقل از جرایم دیگر هم تحقق یابد اما در برخی از شرایط تحقق آن وابسته به جرم دیگری می‌شود و ارتباطی میان سرقت و جرایم دیگر برقرار می‌شود که این خود ممکن است دلایل متعددی داشته باشد که در ادامه به این دلایل پرداخته خواهد شد؛ اما در این مورد خاص اگر این دو جرم محقق نمی‌شدند، جرم سرقت امکان تحقق نداشت و در واقع به واسطه انتخاب مجرم به این جرایم وابستگی پیدا کرده است؛ به عبارت دیگر گاهی دلیل وابستگی جرایم، انتخاب مجرم است، و برقراری ارتباط، بستگی به این دارد که مجرم چه راهی را برای انجام جرم انتخاب کند.

۶. محمد سلیمانپور، جعل اسناد در حقوق ایران از نظر حقوق تطبیقی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۴۱)، ۱۴۱.

بنا بر آنچه گفته شد، به اعتقاد نگارندگان، می‌توان وابستگی جرایم را از حیث علت وابستگی به دو دسته ۱- وابستگی ذاتی و ۲- وابستگی تبعی تقسیم کرد. وابستگی ذاتی آن است که خارج از اراده مجرمین محقق می‌شود و علت وابستگی جبری است و وابستگی تبعی، آن شکل از وابستگی است که به دلیل عللی غیر از علت جبری و خصوصیت ذاتی جرم مانند انتخاب مجرم محقق می‌شود. گستردگی وابستگی تبعی در جرایم به مراتب بیشتر از وابستگی ذاتی است چرا که با فکر، هوش و خلاقیت مجرم و همین‌طور شرایط و متغیرهای بسیار متنوعی ارتباط دارد و به همین جهت می‌تواند به اشکال مختلفی تحقق یابد.

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه شود، این است که؛ جرایمی که دارای وابستگی ذاتی نیستند مانند سرقت که امکان ارتکاب آن به شکل مستقل از جرم دیگری هم وجود دارد، ممکن است به دلایل مختلف تبدیل به یک جرم وابسته شوند که بررسی هر یک از آنها باید مورد به مورد صورت گیرد، زیرا همان‌طور که گفته شد، این شکل از وابستگی می‌تواند بسیار متنوع باشد.

زمانی که از جرم به عنوان علت نامبرده می‌شود در واقع اشاره به وجود نوعی رابطه منطقی میان جرایم است. پذیرش رابطه علت^۷ در ارتباط میان جرایم ما را مواجه با اقسام علل در روابط علت و معلولی می‌کند^۸. از میان اقسام علل، دو قسم (علت لازم) و (علت مشارکت‌کننده) در بحث ما حائز اهمیت هستند، چرا که قطعیت وجود این علل برای معلول بیش از سایر اقسام علل است.

در ارتباطات میان جرایم هر جرم فارغ از مستقل بودن و یا وابسته بودن، به دلیل قرار گرفتن در زنجیره‌ای از جرایم نقش و جایگاه مشخصی را کسب می‌کند. این جایگاه نشان‌دهنده تأثیر و نقش جرم در تحقق (جرایم وابسته) است، به این معنا که نشان می‌دهد، یک جرم به چه شکل و در چه مرحله‌ای در ایجاد یک جرم دیگر دخالت دارد. بر این مبنا

۷. محمد خوانساری، فرهنگ اصطلاحات منطقی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶)، ۱۳۲؛ همچنین نک: علی اصغر خندان، منطق کاربردی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲)، ۲۱۴.

۸. در منطق، علت‌ها بر سه قسم‌اند: علت‌های لازم (ناقصه/مجبره)، علت کافی (تامه/مختاره/حقیقیه) و علت مشارکت‌کننده (دخیل، سهیم). علت لازم الف است: اگر وجودش، برای تحقق و وجود ب لازم باشد. علت کافی الف است: اگر وجودش، برای تحقق و وجود ب کافی باشد. در اینجا با وجود الف وجود ب ضرورت می‌یابد. علت کافی قطعاً لازم نیز هست. علت مشارکت‌کننده الف است اگر قبل از ب موجود باشد، برای وجود ب لازم نباشد، و تغییرش موجب تغییر ب شود. [محمدحسین طباطبائی، نه‌ایه/الحکمه (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴)، ج ۲، ۱۴۳].

می‌توان گفت؛ جرایم وابسته به دو نوع از جرایم وابستگی دارند (جرایم لازم) و (جرایم حمایتی). این تقسیم‌بندی دو مبنا دارد، اول: زمان و مرحله‌ای که رابطه وابستگی ایجاد می‌شود. دوم: نقش جرایم لازم و حمایتی در ایجاد جرم وابسته.

جرم لازم جرمی است که شرط لازم (و البته نه کافی) برای ایجاد جرم وابسته است و در صورت نبود (جرم لازم)، جرم وابسته به هیچ عنوان به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر جرم لازم جرمی است که وجودش برای تحقق جرم وابسته ضروری است و بدون وجود آن، جرم وابسته امکان تحقق نخواهد داشت. جرم لازم، هم زمان و یا پیش از تحقق جرم وابسته عناصر و ضروریات تحقق آن را فراهم می‌کند؛ بنابراین از حیث زمانی جرم لازم، ممکن است مقدم و یا همزمان با جرم وابسته محقق شود و از حیث نقشی که بر عهده دارد، باید گفت مهم‌ترین عناصر مورد نیاز جرایم وابسته را فراهم می‌کند، مانند موضوع جرم و یا انگیزه ارتکاب جرم که وجودشان برای تحقق جرم وابسته ضرورت دارد. به عنوان مثال؛ در جرم استفاده از سند مجعول که یک جرم وابسته است، موضوع جرم، سند مجعول است که توسط جرم جعل فراهم شده است. بنابراین، جرم جعل برای جرم استفاده از سند مجعول نقش جرم لازم را ایفاء می‌کند.

جرم حمایتی جرمی است که در حفظ و بقای جرایم وابسته نقش مهمی ایفاء می‌کند، این جرایم در ایجاد جرم وابسته نقش ضروری ندارند ولی بدون شک در صورت نبودشان جرم وابسته به سرعت از میان خواهد رفت و نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در واقع آن دسته از جرایم که قدرت لازم را برای بقای جرایم وابسته فراهم می‌کنند (جرایم حمایتی) هستند. یعنی بعد از اینکه جرم وابسته به وجود آمد جرایم حمایتی به جرم وابسته کمک می‌کنند که به حیات خود ادامه دهد. این دسته از جرایم، نقش بسیار مهمی در رکن مادی جرایم وابسته دارند. باید توجه داشت که جرایم حمایتی معمولاً در ارتباط با جرایم مستمر هستند، یعنی جرمی که به جرایم حمایتی وابستگی دارد، معمولاً یک جرم مستمر است.

جرم قاچاق اسلحه یک مثال مناسب برای جرایم حمایتی است. این جرم نقش یک جرم حمایتی را برای جرم قاچاق مواد مخدر بر عهده دارد. جرم قاچاق مواد مخدر می‌تواند، بدون وابستگی به جرم قاچاق سلاح تحقق یابد اما ادامه حیات آن وابسته به قاچاق سلاح است زیرا بدون داشتن سلاح، قاچاق‌کنندگان مواد مخدر ابزار خود را در مقابله با واکنش اجتماعی از دست داده و به سرعت سرکوب می‌شوند.

۱-۲- جرایم مستقل

اگر تمام شرایطی که تا به امروز جرم‌شناسان و حقوقدانان به آن اشاره کرده‌اند، از عوامل محیطی تا عوامل زیست‌شناسانه، مهیا باشد ولی جرمی که لازمه تحقق جرم اصلی (جرم وابسته) است محقق نشود، جرم وابسته به هیچ عنوان امکان تحقق نخواهد داشت. بسیاری از جرایم برای تحقق یا بقای خود نیازمند و محتاج به جرایم دیگر هستند، یعنی نیاز به شرایط خاصی دارند که این شرایط تنها توسط جرایم مستقل ایجاد می‌شود.

جرایم مستقل اما، نیاز به چنین بستری که توسط جرم دیگری فراهم شده باشد، ندارند و با این قابلیت به عنوان نخستین جرایم در یک جامعه ظهور می‌کنند. در واقع جرایم مستقل را باید به عنوان جرایم (بسترساز) شناخت که ظهورشان سرآغاز تحقق جرایم دیگر است. هر جامعه‌ای در اولین تجربه خود، با جرایم مستقل روبرو می‌شود و چنانچه در برخورد با این جرایم ناموفق باشد، در مرحله بعد باید با جرایم وابسته که به علت برقراری روابط مختلف با جرایم دیگر، جرایمی به مراتب پیچیده‌تر هستند، دست و پنجه نرم کند.

برای نمونه؛ جرایم رشاء و ارتشاء هر دو ذاتاً از جرایم مستقل هستند^۹ و نقش بسیار مهمی در مهیا کردن موقعیت‌های مناسب برای جرایم مختلف دارند، در خصوص تأثیر و نقش این جرایم در فساد اداری و تحقق انواع متنوعی از جرایم وابسته و نقش بسترسازی این جرایم؛ برخی از حقوقدانان و جرم‌شناسان مخصوصاً در بررسی جرایم سازمان‌یافته اشاراتی کرده‌اند. به عنوان مثال گفته شده است: «ایتالیا و کلمبیا هر دو تجربه و کشف کرده‌اند که به محض اینکه جنایات سازمان‌یافته در داخل دولتی نفوذ کند، دولت قادر به رهانیدن خویش از یوغ این جنایات نخواهد بود؛ حتی اگر منابع عظیم اقتصادی و بشری سرمایه‌گذاری کند و با سرکوب شدید و فدا کردن افراد خوش‌فکر اقدام کند. آثار نفوذ جنایات سازمان‌یافته به بخش دولتی مخرب است، برای اینکه چنین نفوذی مانع از مبارزه دولت با این گروه‌ها در سرزمین مبدأ آنها می‌شود و بدان‌وسیله دموکراسی مشروع را تحلیل می‌برد.»^{۱۰}

بنابراین توجه به این مسئله که جرایم مستقل علی‌رغم استقلال ذاتی، توانایی ایجاد ارتباطات تبعی فراوانی دارند و جرایم بسیاری از این جرایم مستقل استفاده می‌کنند تا امکان تحقق پیدا کنند، اهمیت جرایم مستقل را بر ما آشکار ساخته و به این طریق می‌توان پی به

۹. یدالله بازگیر، کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آرای دیوان عالی کشور (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۹)،

۲۳۶- ۲۳۷.

۱۰. سلیمی، پیشین، ۵۵.

ظرفیت جنایی آنها برد. به عبارت دیگر مشاهده می‌شود که این جرایم توانایی آغاز یک توالی و زنجیره طولی از جرایم وابسته را دارند که ریشه همه آنها در همان جرم مستقل اولیه است. بنابراین شاید بتوان گفت: اصولاً جرایم مستقل دارای بیشترین ظرفیت جنایی ممکن هستند.

۲- اجتماع جرایم

در گفتار اول، بر مبنای دیدگاه وابستگی جرایم به یکدیگر، روابط میان جرایم در سطح خرد مورد بررسی قرار گرفت و برخی از انواع و اشکال این روابط (در حدودی که بر نگارندگان روشن بود) بررسی گردید. اما آنچه که در اینجا مورد توجه قرار خواهد گرفت، روابط میان جرایم در سطح کلان و وسیع آن است. در واقع تلاش خواهد شد تا نشان داده شود که ارتباطات جرایم چطور از روابط محدود میان یک یا چند جرم به شکلی وسیع گسترش می‌یابد و نتیجه آن چیست.

اشاره به روابط میان انسان‌ها و ساختارهای اجتماعی سخن تازه‌ای نیست و دست کم به مدت دو سده است که به صورت علمی مورد مطالعه قرار گرفته است. اما بیان این موضوع که یک پدیده اجتماعی مانند (جرم) می‌تواند، در درون جامعه انسانی، تشکیل اجتماعی را بدهد که از طرفی دارای خصوصیتی کاملاً شبیه جامعه انسانی است و از طرف دیگر در برخی موارد دارای جنبه‌هایی منحصر به فرد است، به نظر می‌رسد، سخنی تازه باشد. اساساً در جامعه‌شناسی اعتقاد بر آن است که اعضای یک جامعه تنها می‌توانند انسان‌ها باشند.

با وجود این تصور که تنها شکل ممکن جامعه، جامعه انسانی است، توجه به جرایم و ارتباطاتشان از دیدگاهی که ناشی از تقسیم جرایم به مستقل و وابسته است، توجه ما را از روابط نزدیک و مشهود اولیه جرایم به روابط گسترده و دورتر این پدیده‌های اجتماعی جلب می‌کند. مشاهده روابط جرایم در سطح کلان، علی‌الخصوص روابطی که چندان تحت کنترل و اراده انسان‌ها قرار ندارد و نتایج حاصل از آنها برای انسان‌ها همیشه قابل پیش‌بینی نیست، تصویر یک جامعه را در مقابل ما قرار خواهد داد که اعضای آن جرایم هستند.

قبلاً گفته شد که هر جامعه در نخستین برخورد خود با پدیده جرم، با جرایم مستقل روبرو می‌شود این جرایم مستقل معمولاً به عنوان مهیاکننده شرایط برای تحقق جرایم وابسته عمل کرده و به سرعت زمینه را برای تحقق جرایم وابسته فراهم می‌کنند. سپس جرایم وابسته با کمک جرایم مستقل امکان تحقق می‌یابند، در نهایت جرایم متعدد و متنوع با برقراری ارتباط با یکدیگر گسترش می‌یابند و به اشکال و دلایل گوناگون پیوندها و ارتباطات گسترده و

پیچیده‌ای را شکل می‌دهند و از توانایی‌ها و موقعیت‌های یکدیگر استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد نوعی اجتماع را تشکیل می‌دهند که در بعضی موارد دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود است. زمانی که گفته می‌شود جرایم، جامعه تشکیل می‌دهند، به این معناست که عناصر متعددی از عناصر تشکیل‌دهنده جامعه را می‌توان در اجتماع جرایم مشاهده و شناسایی کرد که وجود هر یک از آنها تقویت‌کننده نظریه اجتماع جرایم است. جامعه از مجموعه‌ای از ارتباطات که در انواع و اشکال متعدد در قالب عناصر مختلف اجتماعی ظاهر می‌شوند تشکیل شده است.^{۱۱} در اینجا به برخی از عناصر اجتماعی مشترک در جامعه انسانی و جرایم اشاره می‌شود:

الف) نقش^{۱۲} : این واژه معانی مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد. یکی از متداول‌ترین مفاهیم آن مرتبط با اعمالی است که هر فرد به مناسبت پایگاه‌هایی که در جامعه دارد، انجام می‌دهد. از نظر والتر کوئو نقش، معرف رفتاری است که هرکس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد.^{۱۳} بروس کوئن می‌نویسد: نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب، به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شود و سپس او آنها را می‌پذیرد.^{۱۴}

در جامعه جرایم، هر جرم بسته به اینکه در رابطه میان جرایم چه موقعیتی دارد، دارای نقش یا نقش‌هایی است. ممکن است به عنوان جرم لازم یا حمایتی نقش‌های مختلفی را بر عهده گیرد و یا نقشی کم‌اهمیت‌تر از جرایم لازم و حمایتی داشته باشد و از طرف دیگر ممکن است به طور متقابل جرایم دیگری در تحقق این جرم دارای نقش یا نقش‌هایی باشند. یک جرم بسته به اینکه با چند جرم در ارتباط باشد و همین‌طور تعداد جرایمی که به آن وابستگی دارند، می‌تواند دارای نقش‌های متعددی باشد.

به عنوان مثال شکلی از کلاهبرداری را در نظر بگیرید که به جرم استفاده از سند مجعول وابسته است؛ می‌دانیم که خود جرم استفاده از سند مجعول هم به جرم جعل وابستگی دارد.

۱۱. امان‌اله قرائی مقدم، *مبانی جامعه‌شناسی* (تهران: انتشارات ابجد، ۱۳۷۴)، ۱۱۶؛ همچنین نک: یرون بروگمن، *مبانی شبکه‌های اجتماعی*، ترجمه و تحقیق خلیل میرزایی (تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹)، ۹۸ - ۹۷.

12. Role

۱۳. غلام عباس توسلی، *نظریه‌های جامعه‌شناسی* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶)، ۳۰۲.

۱۴. کوئن بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و تحقیق محسن ثلاثی (تهران: انتشارات توتیا، ۱۳۸۴)، ۵۷.

در اینجا با یک سلسله تقریباً کوتاه از جرایم مواجه هستیم که در این سلسله می‌توان آن را یک گروه کوچک اجتماعی^{۱۵} در نظر گرفت، هر یک از اعضاء (جرایم) دارای نقشی است که به معنای انتظاراتی است که در این گروه اجتماعی از هر جرم می‌رود. در این گروه کوچک تعداد روابط میان جرایم کم است؛ اما این روابط معمولاً روابطی مهم و حیاتی هستند در حالی که در جرایمی که تشکیل شده از تعداد جرایم بیشتری هستند و به تبع آن ارتباطات بیشتری میان آنها و جرایم دیگر وجود دارد، علاوه بر رابطه وابستگی، شاهد وجود روابطی کم‌اهمیت‌تر و غیر از وابستگی هم هستیم.

در اینجا مناسب است، به یکی از تأثیرات جرایم بر نقش‌های اجتماعی مجرمین اشاره شود؛ هر شخص بنا بر پایگاهی که در جامعه داراست، به لحاظ اجتماعی نقشی بر عهده دارد که شامل وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های آن فرد است. زمانی که فرد دست به ارتکاب جرم می‌زند که به سبب پایگاه و درباره نقش اجتماعی اوست در اینجا نقش فرد به وسیله جرم بازتعریف می‌شود و تا حدودی تغییر می‌کند؛ این بازتعریف و تغییر نقش به دلیل آن است که شخص در یک پایگاه اجتماعی با دو نقش مواجه می‌شود و لذا برای حفظ پایگاه اجتماعی و همین‌طور موفقیت در تحقق جرم ناچار به اعمال تغییر در نقش خود است؛ این نقش جدید معمولاً ترکیبی است از انتظارات جامعه انسانی از آن فرد و انتظاراتی که توسط جامعه جرایم برای ارتکاب جرم در آن پایگاه از فرد می‌رود.

نکته‌ای که باید در خصوص نقش مورد توجه قرار گیرد، این است که مفهوم نقش با مفهوم موقعیت اجتماعی رابطه دارد، گرچه باید از آن هم متمایز شود. موقعیت، عنصری از ساختارشناسی سازمانی، جایگاهی در فضای اجتماعی و مقوله‌ای از عضویت سازمانی است. به این ترتیب، نقش جنبه‌ای از فیزیولوژی سازمانی است و مستلزم کارکرد، انطباق و فرایند است. اگر گفته شود شخص موقعیت اجتماعی را اشغال می‌کند، بیان معناداری است، اما اینکه بسیاری می‌گویند، کسی نقشی را اشغال می‌کند، درست نیست.^{۱۶}

۱۵. گروه اجتماعی عبارت است از عده‌ای افراد که با یکدیگر به طور منظم کنش متقابل دارند. اینگونه کنش متقابل معمولاً اعضای گروه را به عنوان واحدی مشخص با یک هویت اجتماعی کلی به همدیگر پیوند می‌دهد [آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه و تحقیق منوچهر صبوری (تهران: نشر نی، ۱۳۸۹)، ۳۱۳].

۱۶. لوئیس کوزر، برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه و تحقیق فرهنگ ارشاد (تهران: نشر نی، ۱۳۹۰)، ۲۷۰.

ب) منزلت^{۱۷}: منزلت یا پایگاه اجتماعی ارزشی است که یک گروه اجتماعی برای یک نقش اجتماعی قائل است^{۱۸}. به عبارت دیگر وقتی نقش اجتماعی فرد در گروه یا جامعه، با نقش‌های دیگر مورد ارزش‌گذاری و مقایسه قرار گیرد و برحسب درجه اهمیت رتبه‌بندی گردد، پایگاه و موقعیت آن نقش معلوم می‌شود.^{۱۹} پس پایگاه اجتماعی یک نقش، ارزش‌گذاری اجتماعی آن نقش است که هر جامعه‌ای مطابق مقتضیات خود، آنها را رتبه‌بندی می‌کند. مثلاً نقش یک استاد دانشگاه، پزشک، کارگر، دهقان یا یک راننده با هم فرق دارد و پایگاه اجتماعی آنها متفاوت است.^{۲۰}

در میان جرایم هم به نظر می‌رسد، شاهد وجود مفهوم منزلت یا پایگاه اجتماعی هستیم. جرایم بسته به موقعیت و نقشی که در ارتباط با دیگر جرایم دارند و همین‌طور اهمیت نقشی که بر عهده دارند، ممکن است توسط مجرمین ارزش‌گذاری شوند. مبنای این ارزش‌گذاری توسط مجرمین میزان اهمیت یک جرم لازم یا حمایتی در تحقق یا بقای جرم وابسته است. همچنین گاهی بعضی از جرایم به این دلیل که در این باره طیف وسیعی از جرایم نقش جرم لازم یا حمایتی را دارند، از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار می‌شوند. به عنوان مثال در مورد جرم قاچاق مواد مخدر و شبکه یا گروه اجتماعی از جرایم که حول این جرم شکل می‌گیرد، باید گفت: معمولاً روابط متنوعی میان این جرم و طیف وسیعی از جرایم شکل می‌گیرد. هر یک از این جرایم که در اطراف جرم قاچاق مواد مخدر وجود دارند درباره این جرم دارای نقش یا نقش‌هایی هستند که ممکن است به سبب اهمیتی که آن نقش‌ها دارند، ارزش‌گذاری شوند. از این رو شاید بتوان گفت پایگاه اجتماعی جرم قاچاق سلاح در این گروه اجتماعی بسیار بالاتر از خرده‌فروشی مواد مخدر است؛ چرا که جرم قاچاق سلاح (به عنوان یک جرم حمایتی) در ارتباط با جرم قاچاق مواد مخدر نقش بسیار مهمی را بر عهده دارد. از سوی دیگر جرم قاچاق سلاح نسبت به جرایم متعدد دیگری نظیر تروریسم، جرایم خشونت‌آمیز و انواع قاچاق هم نقش جرم لازم یا حمایتی را ایفاء می‌کند که این خود می‌تواند باعث ارتقای منزلت اجتماعی این جرم شود.

17. Status

۱۸. برای مطالعه بیشتر نک: آنتونی گیدنز، پیشین، ۲۶۸.

۱۹. برای مطالعه بیشتر نک: پرویز صانعی، جامعه‌شناسی ارزش‌ها (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲)، ۱۷۰.

۲۰. قرآنی مقدم، پیشین، ۲۷۰.

در این میان توجه به این نکته اهمیت دارد که هر جرم ممکن است در ارتباط با جرایم مختلف عهده‌دار نقش‌های گوناگونی در گروه‌های مختلف جرایم شود، از این رو ممکن است پایگاه‌های اجتماعی متعدد و متفاوتی را هم احراز کند. به عنوان مثال نقشی که جرم استفاده از سند مجعول درباره جرم قاچاق سلاح بر عهده دارد، از پایگاه اجتماعی به مراتب بالاتری نسبت به نقشی که این جرم درباره جرم کلاهبرداری دارد، برخوردار است.

بنا بر آنچه گفته شد، روابط اجتماعی میان جرایم در تمام انواع جرم وجود دارد؛ اما بسته به اهداف جرم و متغیرهای دیگر، این روابط ممکن است، گسترده و یا محدود باشد. یکی از نمونه‌های مهم روابط اجتماعی میان جرایم را در جرایم سازمان‌یافته مشاهده می‌کنیم. روابط اجتماعی در جرایم سازمان‌یافته به اوج کمال می‌رسد و باعث می‌شود این جرایم یک مثال مناسب برای تشریح نظریه اجتماع جرایم باشند. از آنجا که در طول یک قرن گذشته جامعه جهانی تلاش‌های زیادی برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته انجام داده است و در کنار آن مطالعات فراوانی در مورد این جرایم صورت گرفته است، شاید بتوان گفت این جرایم بیش از هر جرم دیگری مورد تجزیه و تحلیل‌های حقوقی و جرم‌شناسانه قرار گرفته‌اند.

بررسی ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته به روشن‌تر شدن موضوع کمک خواهد کرد زیرا جرایم سازمان‌یافته در واقع یک مدل کوچک از شکل کلی جامعه جرایم هستند یعنی آنها یک جامعه کوچک در درون جامعه جرایم هستند که به اعتقاد نگارنده بهتر است، این جرایم را به عنوان یک شبکه اجتماعی بشناسیم؛ در مورد ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته نظرات مختلفی مطرح شده است؛ به عنوان مثال: یکی از حقوقدانان دوازده مورد احصاء نموده است که جنایات سازمان‌یافته واجد تمام یا برخی از آن اوصاف است. این اوصاف عبارت‌اند از: ۱- شرکای آنها به منظور انجام فعالیت جنایت‌کارانه گرد هم جمع شده‌اند؛ ۲- هدف نهایی آنها تحصیل سود به طرق غیرقانونی است؛ ۳- آنها به اخاذی و خشونت به عنوان وسیله نیل به اهدافشان چه در درون گروه یا در تعقیب اهداف بیرونی متوسل می‌شوند؛ ۴- افساد و رشوه به مقامات عمومی و سایرین جزء روش عملیاتی آنهاست؛ ۵- آنها منافع خود را با تقلب در پرداخت مالیات و رویه‌های تجارت یغماگرایانه و انحصارطلبانه افزایش می‌دهند و از ارتشاء برای نفوذ و واژگونی فعالیت‌های تجاری مشروع استفاده می‌کنند؛ ۶- آنها به تطهیر پول برای بازیافت و افزایش منافع متوسل می‌گردند؛ ۷- آنها اساساً در یک زمینه ملی عمل می‌کنند، حتی زمانی که شعب و فعالیت‌های فراملی دارند؛ ۸- حضور و فعالیت‌های گروه به طور منفی بر جامعه اثر می‌گذارد؛ به این صورت که گروه با تهدید امنیت و نظم عمومی و

سایر منافع اجتماعی و اقتصادی، عملیات خود را انجام می‌دهد؛ ۹- آنها غالباً، ولی نه همیشه، در یک ساختار سلسله‌مراتبی با یک رهبر واحد در رأس، متمرکز و سازمان‌یافته شده‌اند؛ ۱۰- اعضای رده‌پایین متعهد به وفاداری به سازمان هستند که این امر با نظم خاصی شامل مرگ در صورت کوتاهی، سرپیچی یا بی‌وفایی، تضمین و تقویت می‌شود؛ ۱۱- عضویت بر اساس معیارهای وفاداری، بی‌رحمی و مهارت‌های جنایی و در سازمان ائتلافی همراه با عضوگیری سری صورت می‌گیرد؛ ۱۲- رازداری و خفا یکی از ویژگی‌های آنهاست.^{۲۱}

می‌بینیم که در جرایم سازمان‌یافته مجموعه زیادی از جرایم در کنار هم قرار می‌گیرند تا به یک هدف نهایی برسند، می‌توان گفت نتایج جرایمی که در کنار جرم سازمان‌یافته هستند، نمی‌تواند به عنوان هدف در نظر گرفته شود و این نتایج تنها بخشی از یک تلاش دسته‌جمعی برای کمک به تحقق جرم سازمان‌یافته است.

از بررسی ویژگی‌هایی که در بالا ذکر شد، بر مبنای نظریه اجتماع جرایم، شاهد خصوصیات اجتماعی متعددی در این جرایم هستیم. جرایم سازمان‌یافته را می‌توان به عنوان یک سازمان رسمی^{۲۲} اجتماعی و یا یک نهاد در نظر گرفت، سازمان رسمی که نه در جامعه انسانی بلکه در جامعه جرایم قرار دارد و اعضای آن نه انسان‌ها بلکه جرایم هستند، بنابراین می‌توان گفت این به معنای سازمان یافتن گروهی جرایم برای ساختن یک جرم دیگر است که شامل ایجاد سلسله‌مراتبی میان آنان می‌شود که زمینه همکاری آنان برای تحقق و به نتیجه رسیدن جرم اصلی را فراهم می‌کند. بنابراین در هر سازمان رسمی جرایم، دو مسئله همکاری و سلسله‌مراتب توأماً مطرح است. اعضای این سازمان هر یک دارای نقش اجتماعی، منزلت اجتماعی و بسیاری دیگر از خصوصیات اعضای جامعه انسانی هستند که ساختار اجتماعی جامعه جرایم را می‌سازند. در مطالعه هر جرم سازمان‌یافته می‌توانیم برای هر یک از جرایمی که جرم سازمان‌یافته برای تحقق و بقاء از آنها استفاده می‌کند، نقش و منزلتی قائل شویم و به خوبی می‌توان سلسله‌مراتب مشخصی را در این جرایم مشاهده کرد.

از سوی دیگر زمانی که تعدادی جرم (با نقش‌های گوناگون) در کنار هم جمع می‌شوند و تشکیل یک سازمان یا شبکه اجتماعی را می‌دهند، در مواردی می‌توان این شبکه اجتماعی را

۲۱. سلیمی، پیشین، ۵۰-۴۹.

۲۲. سازمان رسمی (Formal Organizations) به گروه‌هایی از افراد اطلاق می‌شود که برای رسیدن به یک هدف بسیار مشخص کوشش‌هایشان را هماهنگ می‌سازند. سازمان‌های رسمی معمولاً بزرگند و با قواعد و مقررات معینی کار می‌کنند و دارای سلسله‌مراتب مشخصی از اقتدار و مسؤلیت می‌باشند [کوئن، پیشین، ۲۸۲].

به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر گرفت. چنانچه این شبکه سازمان‌یافته از نقش‌ها که در پی رسیدن به یک هدف سازمان‌دهی شده باشد، بتواند یکی از نیازهای مهم جامعه‌ای را که به آن تعلق دارد، برطرف سازد، می‌تواند، به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر گرفته شود و تبدیل به یکی از پایه‌های مهم جامعه می‌شود.

نتیجه

از توجه به ارتباطات میان جرایم و بررسی این روابط خصوصياتی از جرایم آشکار می‌شود که نشان‌دهنده استقلال جرایم در برخی جنبه‌ها از مجرمین است. بررسی روابط جرایم در سطح کلان با این رویکرد، منجر به شناخت ارتباطات میان جرایم به شکلی متفاوت و به عنوان یک اجتماع می‌شود. در حقیقت؛ به اعتقاد نگارنده اجتماع جرایم متشکل است از مجموعه روابط میان جرایم که از تنوع زیادی برخوردار است و به دلایل متعددی شکل می‌گیرد و به جرایم انسجامی می‌بخشد که این انسجام می‌تواند نتایج متعددی در پی داشته باشد از جمله آنکه؛ مقابله با جرایم را دشوارتر می‌سازد.

از دیدگاهی که بیان شد، نمود ساختارهای اجتماعی در ارتباطات جرایم به روشنی قابل مشاهده است، ساختارهایی نظیر نقش، نهاد، منزلت و ... که گاهی با تقلید از ساختارهای اجتماعی توسط مجرمین در میان جرایم ایجاد می‌شوند و در برخی موارد به عنوان روابطی ذاتی میان جرایم وجود دارند. باید توجه داشت که مجرمین در تعیین شکل نهایی جامعه جرایم کاملاً مختار نیستند و در این مورد تا حدود زیادی باید از قواعد ارتباط ذاتی میان جرایم از یک طرف و قواعد یا ساختارهای جامعه انسانی از طرف دیگر پیروی کنند. به عبارت دیگر باید گفت مجرمین در مسیر ارتکاب جرم همواره باید در چهارچوب دو ساختار قرار داشته باشند، یکی ساختار بنیادین جرایم که از ارتباطات و وابستگی‌های ذاتی میان جرایم شکل گرفته است که به مجرمین دیکته می‌شود و دیگری بازتاب ساختارهای اجتماع انسانی در اجتماع جرایم.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. ج ۱. چاپ هفتم. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
- اسعدی، سید حسن. جرایم سازمان‌یافته فراملی. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
- بازگیر، یدالله. کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء در آرای دیوان عالی کشور. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- بروگمن، یرون. مبانی شبکه‌های اجتماعی. چاپ اول. ترجمه و تحقیق خلیل میرزایی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹.
- پیمانی، ضیاءالدین. بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم. چاپ اول. قم: معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۴.
- توسلی، غلام عباس. نظریه‌های جامعه‌شناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- خندان، علی اصغر. منطق کاربردی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
- سلیمانپور، محمد. جعل اسناد در حقوق ایران از نظر حقوق تطبیقی. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۴۱.
- سلیمی، صادق. جنایات سازمان‌یافته فراملی. چاپ اول. تهران: انتشارات تهران صدرا، ۱۳۸۲.
- صانعی، پرویز. جامعه‌شناسی ارزش‌ها. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲.
- طباطبائی، محمد حسین. نه‌ایه‌الحکمه. ج ۲. چاپ دوم. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- قرائی مقدم، امان‌اله. مبانی جامعه‌شناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات ابجد، ۱۳۷۴.
- کوزر، لوئیس، برنارد روزنبرگ. نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. چاپ پنجم. ترجمه و تحقیق فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
- کوئن، بروس. مبانی جامعه‌شناسی. چاپ پنجم. ترجمه و تحقیق محسن ثلاثی. تهران: انتشارات توتیا، ۱۳۸۴.
- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. چاپ اول. ترجمه و تحقیق منوچهر صبوری. تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، و همکاران. «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)». فصلنامه مدرس ۳۷ (۱۳۸۳): ۴۸-۲۳.

Modern Criminology and Relationship between Crimes

Dr. Alireza Milani

Faculty member of Islamic Azad University, Eslam Shahr branch,
Email: Alirezamillani@yahoo.com

&

Mohammad Hajighasemi Ardebili

MA. in Criminal Law and Criminology Islamic Azad University Science and Research
Kermanshah Branch, Email: Mohammadhajighasemi@yahoo.com

Abstract:

There is a wide and variety relationship between crimes. But many crimes are dependent to the others) dependent crimes (so that they are not able to exist without them. This dependency may be substantive or subordinate which are created by offenders decisions and other circumstances .there are some crimes that are independents but very crucial in existence of other crimes. Considering to these relations and reviewing the social constructions and making comparison between the two shows us that there are many structures between crimes that are very similar to our social constructions and meanwhile some differences can be seen .it seems these social structures are reflections of the society in which crimes are committed and this issues gives social character to crimes .this aspect is less noted yet and may create a different view to the offences.

Keywords: Independent crimes, Dependent crimes, Community, Social structures.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XV, No. 2

2016-2

- **The Commercial Custom Rules in International Trade, Interaction between CISG & Incoterms Rules**
Dr. Mahmood Bagheri – Soroush Rostamzad Asli – Naser Azizi
- **Systems of Regulation of Advertising Aimed at Children in Television**
Dr. Bagher Ansari – Manijeh Hashemian
- **Reflections on Dissolution of International Organizations**
Dr. Mansour Jabbari – Masoud Ahsannejad
- **European Union's Regulations on the Approximation of Nations and the Achievement of European Federalism**
Seyed Hossein Tabatabaei
- **Modern Criminology and Relationship between Crimes**
Dr. Alireza Milani – Mohammad Hajighasemi Ardebili
- **Protection of Children in Armed Conflicts in the Context of International Instruments**
Armin Talaat – Mohammad Ahangar Asil
- **Human Rights Council against the National Politics of States: Some Remarks on the Case of North Korea**
Aramesh Shahbazi – Samsam Avazpoor
- **Comparing between Limitations of Issuing Notarize Acts and Secure Electronic Documents**
Abbas Karimi – Amir Sepahi
- **The Inventive Step Requirement in Iranian Patent System**
Hamed Najafi – Mahsa Madani
- **Myanmar Crisis in the Mirror of the Human Rights Council**
Marziye Ghalandari
- **A Study of Incomplete Crimes in Iran Penal Law**
Alireza Rahmaninaimabadi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study